

درآمدی بر روان شناسی دین

ویراست دوم

دکتر مسعود آذربایجانی

سیدمهدی موسوی اصل

بهار ۱۳۹۵

آذربایجانی، مسعود
درآمدی بر روان‌شناسی دین / مسعود آذربایجانی، سیدمهدی موسوی اصل. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۵. — ویراست ۲.
هفت، ۲۰۴ص: جدول، نمودار. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۱۴: روان‌شناسی؛ ۱۳) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت): ۱۰۴۲: روان‌شناسی؛ ۱)
ISBN: 978-964-7788-58-8
بها: ۱۴۵۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۱۷۹]-۱۸۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. روان‌شناسی مذهبی. ۲. دین و اخلاق. الف. موسوی اصل، سیدمهدی، نویسنده همکار. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). د. عنوان.
۱۳۸۵ ۴ د ۴ / آ ۵۳ BL ۲۰۰ / ۱۹
شماره کتابشناسی ملی
۸۵-۲۹۷۰۱ م



درآمدی بر روان‌شناسی دین

مؤلفان: دکتر مسعود آذربایجانی و سیدمهدی موسوی اصل

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ دهم: بهار ۱۳۹۵ (چاپ نهم: زمستان ۱۳۹۴)

تعداد: ۴۰۰۰ نسخه

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۷۸۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات): ۳۲۱۱۱۳۰۰ (نمابر): ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص. پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

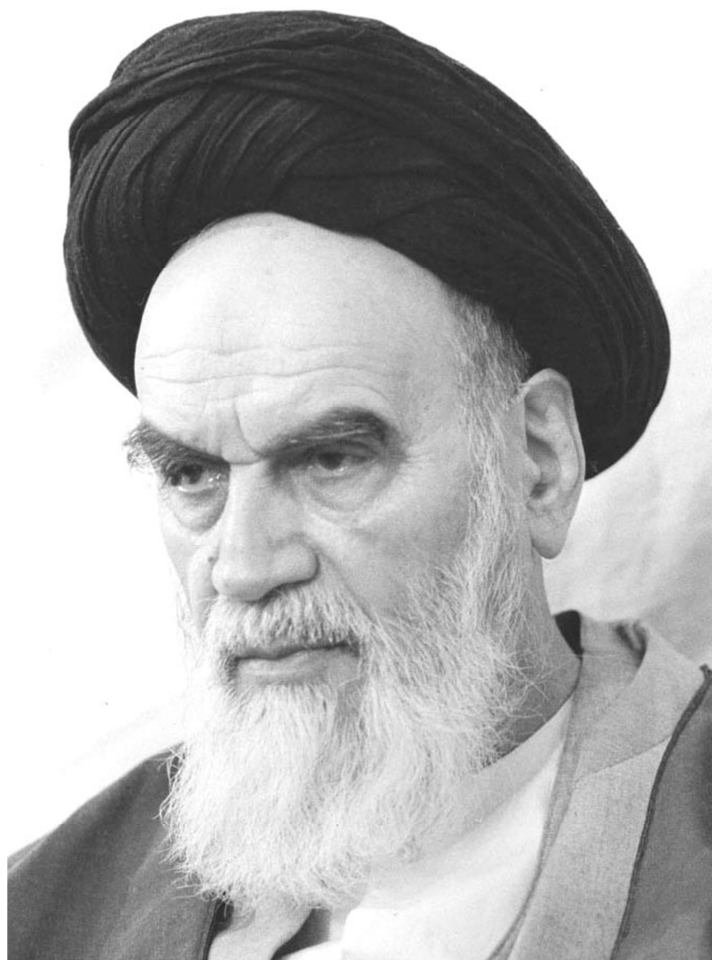
تهران: بزرگراه آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ ● تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹-تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آن چیزی که بشر طالب است، این است که به روحش آرامش بدهد
و آن چیزی که آرامش می‌آورد مذهب است... تنها در سایه مذهب
است که بشر به آن آرامش روحی مطلوب می‌رسد.

صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۷۰

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) بیست و هفتمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب درآمد بر روان‌شناسی دین به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

کتاب حاضر در گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان متن درسی برای دانشجویان رشته روان‌شناسی، الهیات و دین‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سازمان سمت

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات	۵
درس اول: تعریف روان‌شناسی دین	۵
روان‌شناسان دین چه می‌کنند؟	۷
دو نکته	۸
○ پرسش و تحقیق	۹
○ منابعی برای مطالعه بیشتر	۹
درس دوم: تاریخچه روان‌شناسی دین	۱۰
سنت انگلیسی - آمریکایی	۱۱
سنت آلمانی	۱۶
سنت فرانسوی	۱۹
افول روان‌شناسی دین	۲۳
احیای روان‌شناسی دین در اواخر قرن بیستم	۲۵
روش‌شناسی	۲۵
○ پرسش و تحقیق	۲۷
○ منابعی برای مطالعه بیشتر	۲۷
فصل دوم: نظریه‌های روان‌شناسان درباره دین	۲۹
درس سوم: نظریه ویلیام جیمز درباره دین	۲۹
○ پرسش و تحقیق	۴۲
○ منابعی برای مطالعه بیشتر	۴۲
درس چهارم: نظریه زیگموند فروید درباره دین	۴۳
○ پرسش و تحقیق	۵۵
○ منابعی برای مطالعه بیشتر	۵۶

۵۷	درس پنجم: دیدگاه کارل گوستاو یونگ دربارهٔ دین
۷۷	○ پرسش و تحقیق
۷۷	○ منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۷۹	فصل سوم: ابعاد دینداری
۸۱	درس ششم: فهم دینداری
۸۲	۱. رویکرد منسجم
۸۵	۲. توجه به سنت‌ها و گروه‌های دینی
۸۶	۳. تقدم مطالعات درون‌دینی بر مطالعات برون‌دینی
۸۷	۴. احساس همدلی و تعهد
۸۹	۵. توجه به زمان
۹۰	○ پرسش و تحقیق
۹۰	○ منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۹۱	درس هفتم: تک‌بعدی یا چندبعدی بودن دین
۱۱۰	○ پرسش و تحقیق
۱۱۰	○ منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۱۱۱	فصل چهارم: سنجش دینداری
۱۱۱	درس هشتم: تاریخچه و روش‌های سنجش دینداری
۱۱۴	مبانی نظری سنجش دینداری
۱۱۸	روش‌های اندازه‌گیری دینداری
۱۱۹	۱. مشاهدهٔ رفتار دینی
۱۲۰	۲. مقیاس‌های کلامی
۱۲۳	۳. روش اندازه‌گیری مستقیم
۱۲۷	۴. روش‌های اندازه‌گیری غیر مستقیم
۱۳۱	جمع‌بندی روش‌های سنجش دینداری و مقیاس‌سازی
۱۳۵	○ پرسش و تحقیق
۱۳۵	○ منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۱۳۶	درس نهم: مشکلات و محدودیت‌های اندازه‌گیری دینداری
۱۴۷	○ پرسش و تحقیق
۱۴۷	○ منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۱۴۹	فصل پنجم: آثار دینداری
۱۴۹	درس دهم: فواید دینداری در سطح فردی
۱۴۹	۱. آرامش روان

۱۵۳	۲. خشنودی و رضایت از زندگی
۱۵۶	۳. تفسیر خوش‌بینانه از مرگ
۱۵۷	۴. سلامت جسمی
۱۶۰	○ پرسش و تحقیق
۱۶۰	○ منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۶۱	درس یازدهم: فواید دینداری در سطح اجتماعی
۱۶۱	۱. انسجام اجتماعی
۱۶۴	۲. کاهش جرم و انحراف
۱۶۸	۳. نوع‌دوستی و کمک به دیگران
۱۷۲	○ پرسش و تحقیق
۱۷۲	○ منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۷۳	درس دوازدهم: هزینه‌های دینداری
۱۷۳	الف) سطح فردی
۱۷۵	ب) سطح اجتماعی
۱۷۸	○ پرسش و تحقیق
۱۷۸	○ منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۷۹	منابع و مآخذ
۱۸۵	واژه‌نامه (انگلیسی به فارسی)
۱۸۷	واژه‌نامه (فارسی به انگلیسی)
۱۸۹	نمایه‌ها
۱۸۹	نمایه آیات
۱۹۱	نمایه اعلام
۲۰۱	نمایه موضوعات

مقدمه

دین از حقایقی است که در عرصه‌های گوناگون انسانی حضور جدی دارد و دین‌پژوهی نیز متناظر با این عرصه‌ها، شاخه‌های عدیده‌ای یافته است. روان‌شناسی دین، یکی از شاخه‌های مهم دین‌پژوهی است که با دین‌ورزی و دینداری ربط و نسبت وثیق دارد.

روان‌شناسی دین، به بررسی پدیده دینداری از منظر روان‌شناسی می‌پردازد و درصدد توصیف و تبیین عوامل و زمینه‌های دینداری، ابعاد آن، سنجش و اندازه‌گیری دینداری و آثار و پیامدهای آن در زندگی فردی و اجتماعی است. روان‌شناسی، از همه توان و اندوخته علمی خود در بررسی دینداری بهره می‌برد و با استفاده از روش‌های پژوهش پیشرفته، پدیدارهای دینی را زیر ذره‌بین علمی قرار می‌دهد. به همین دلیل می‌توان روان‌شناسی دین را یکی از شاخه‌های روان‌شناسی نیز دانست.

امروزه در انجمن روان‌شناسی آمریکا، بخش مستقلی به روان‌شناسی دین اختصاص یافته است و نشریات علمی، پایگاه‌های اینترنتی و همایش‌های مستقل ویژه‌ای به این موضوع می‌پردازند و توجه به آن، به گونه‌ای افزایش یافته است که به عنوان یک درس رسمی در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا جایگاه خود را یافته و حتی در برخی از مؤسسه‌های علمی، رشته‌ای تخصصی به شمار می‌آید.

در عین حال، در ایران این موضوع چنان که باید و شاید جایگاه مناسبی ندارد و کتب معتبر علمی تألیفی یا ترجمه‌ای در این موضوع به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. البته مقالات متعددی در این زمینه و موضوعات وابسته وجود دارد و برخی همایش‌ها و نشست‌های علمی نیز به این مسئله اختصاص یافته است. این در حالی است که پس از انقلاب اسلامی، با توجه به حضور بیشتر دین در متن زندگی مردم، ضرورت بررسی علمی دینداری دوچندان شده و نهادهای گوناگون دولتی و غیردولتی، تغییرها و نوسان‌های دینداری آحاد مردم را در دستور کار

خود قرار داده‌اند. بدیهی است پیمایش و سنجش دینداری نیز بدون توجه به مبانی نظری که بخش مهمی از آنها در روان‌شناسی دین بحث می‌شود، نارسا و بی‌بنیان است. ضرورت پرداختن به روان‌شناسی دین، از نظر دیگری نیز قابل پیگیری است و آن وجود فضای منفی در مورد دین میان برخی روان‌شناسان است که تا حدی به دلیل توجه به آرای فروید در خصوص دین است. در حالی که امروزه دیدگاه فروید درباره دین، در محافل علمی و دانشگاهی چندان مورد توجه و اعتنا قرار نمی‌گیرد و به آرای روان‌شناسانی که دید مثبتی به دین دارند همانند ویلیام جیمز، یونگ و آلپورت بیشتر پرداخته می‌شود. همچنین از دهه ۱۹۷۰م، به این سو، کسانی چون ویکتور فرانکل، پل واتسون، دیوید براون، رالف هود، مایکل آرگیل و پارگامنت، به تحقیق و نظریه‌پردازی در ابعاد گوناگون روان‌شناسی دین پرداخته و نوشته‌های قابل توجهی در این زمینه انتشار داده‌اند.

این کتاب با عنوان درآمدی بر روان‌شناسی دین، به دلیل مجال اندک و اینکه نخستین اثر در این موضوع است، به همه مباحث روان‌شناسی دین و همه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها نپرداخته، ولی کوشیده است تا مهم‌ترین آرا و مسائل را مورد توجه قرار دهد. در فصل اول، به تعریف روان‌شناسی دین، تاریخچه و روش‌شناسی آن پرداخته شده است. در فصل دوم، نظریه‌های سه روان‌شناس بزرگ، یعنی ویلیام جیمز، فروید و یونگ بررسی و نقد شده‌اند. فصل سوم، به ابعاد دین و دینداری، شرایط فهم دینداری و دیدگاه‌های مربوط به ابعاد دین پرداخته است. در فصل چهارم، تاریخچه و روش‌های اندازه‌گیری دینداری، مبانی نظری و مشکلات اندازه‌گیری دینداری مورد توجه نویسندگان بوده است. سرانجام در فصل پنجم، آثار دینداری در سطح فردی و اجتماعی و نیز هزینه‌های دینداری بررسی شده است.

در ویراست دوم پنج فصل کتاب در دوازده درس تنظیم شده که هر درس براساس اصول آموزشی مشتمل بر اهداف درس، پرسش، تحقیق و منابعی برای مطالعه بیشتر است. عنایت و توجه به اهداف درس، دانشجو را در جهت فهم بهتر مطالب هدایت می‌کند، پرسش و تحقیق یادگیری عمیق‌تر مباحث را ممکن می‌سازد و منابعی برای مطالعه بیشتر، محدوده مطالعات را گسترش می‌دهد و دانشجویان را با فضاهای جدیدتر و متنوع‌تر آشنا می‌سازد. افزون بر این واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی نیز به متن افزوده شده است.

در خاتمه، ضمن استقبال از پیشنهادهای و انتقادهای همه خوانندگان فرهیخته در اصلاح کاستی‌ها، و با شکر و سپاس به درگاه ایزدی، از استادان ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین

آقای سیدمحمد غروی، مشاور حوزوی و مدیر محترم گروه روان‌شناسی پژوهشگاه که همواره از دقت نظرهای ایشان بهره‌مند شده‌ایم، و نیز جناب آقای دکتر هادی بهرامی احسان، مشاور علمی و ناظر طرح که تذکرات سودمند ایشان نیز بر غنای علمی کتاب افزوده است تشکر و تقدیر داریم. از اساتید محترم، دکتر علی فتحی آشتیانی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی و حجت‌الاسلام رحیم نارویی برای مطالعه نسخه نخست و تذکرات لازم قدردانی می‌کنیم. از آقای دکتر مهرداد کلانتری به خاطر مطالعه ویراست دوم این کتاب نیز تقدیر و تشکر می‌کنیم. همچنین از همه بخش‌های پژوهشی و اجرایی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که با حمایت‌ها و پشتیبانی‌های آنان، این مختصر پای گرفت، سپاسگزاریم و تلاش همه عزیزان را ارج می‌نهم.

مؤلفان

فصل اول

کلیات

— درس اول: تعریف روان‌شناسی دین —

اهداف درس: انتظار از دانشجو آن است که:

۱. روان‌شناسی دین را تعریف کند؛
۲. فعالیت‌ها و وظایف روان‌شناسان دین را برشمارد؛
۳. با کاربردهای واژه دین آشنا شود؛
۴. تفاوت روان‌شناسی دین و روان‌شناسی دینی را توضیح دهد.

پیدایش دین در زندگی انسان‌ها چگونه بوده است؟ آیا افراد مذهبی دارای نوع خاصی از شخصیت هستند؟ آیا دینداری، باعث رضایت بیشتر افراد از زندگی می‌شود و موفقیت زیادتر آنان را در ازدواج، شغل و... را تضمین می‌کند؟ آیا متدینان سلامت جسمی و بهداشت روانی بیشتری دارند؟ آیا دینداری بر کاهش جرم و جنایت و کارهای خلاف قانون و نیز افزایش حس نوع‌دوستی، کمک به دیگران و کارهای خیریه تأثیر دارد؟ چگونه می‌توان دینداری را در افراد اندازه‌گیری کرد؟ و اصولاً دینداری چه ابعادی دارد؟

این پرسش‌ها، تنها نمونه‌ای از مسائلی هستند که در «روان‌شناسی دین»^۱ به آنها پرداخته می‌شود. این شاخه، که یکی از رشته‌های فرعی روان‌شناسی است، به مطالعه علمی دین از منظر روان‌شناختی می‌پردازد. هرچند تعریف‌های متعددی از این رشته، از سوی روان‌شناسان دین ارائه شده، ولی به نظر می‌رسد بازگشت همه آنها به همین تعریف کوتاه «مطالعه علمی دین از منظر روان‌شناختی» باشد. درواقع، تعریف‌های دیگر، برخی اصطلاحات این تعریف مختصر

1. psychology of religion

را با شرح و تفصیل بیشتری آورده‌اند. در اینجا دو تعریف را برای نمونه از دو روان‌شناس دین ذکر می‌کنیم.

کالینز^۱ معتقد است احتمالاً تعریفی بهتر از تعریف تاولس،^۲ استاد دانشگاه کمبریج وجود ندارد. به نظر تاولس، مطالعه روان‌شناختی دربارهٔ دین، درصدد «درک رفتار دینی از راه به کار بستن اصول روان‌شناختی به دست آمده از مطالعه رفتار غیردینی» است. به سخن دیگر، روان‌شناسی دین می‌کوشد اصول روان‌شناختی‌ای را که از بررسی رفتار به‌طور کلی حاصل شده‌اند، در مورد رفتار دینی به کار بندد تا بتواند آن را تبیین کند. در این تعریف، از بین موضوعات مورد بررسی این رشته، تنها از رفتار دینی ذکر به میان آمده است و شاید به همین دلیل باشد که خود کالینز هم پس از ذکر این تعریف، یادآور می‌شود که در این رشته، از روش‌های روان‌شناختی استفاده می‌شود که نه تنها رفتار دینی، که افزون بر آن، نگرش‌ها، ارزش‌ها و تجربه‌های افرادی را بررسی کنند که به وجود و تأثیر خداوند یا دیگر نیروهای ماورای طبیعی باور دارند (کراید^۳ و نمروف،^۴ ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۳۹۲).

این ایراد در تعریف پالوتزین نیست. او می‌نویسد: روان‌شناسی دین، گستره‌ای است که به مطالعه باورها و اعمال دینی از دیدگاه روان‌شناختی می‌پردازد. این بدان معناست که در اینجا هدف، درک فرایندهای روان‌شناختی‌ای است که رفتارها و تجربه‌های دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ما در این گستره می‌کوشیم تأثیرات چندگانه محیطی، شخصی و اجتماعی مؤثر بر رفتار و تجربه دینی را در نظر قرار دهیم و به ترسیم دیدگاه‌ها و پژوهش‌هایی بپردازیم که امکان آشکارسازی فرایندهای روان‌شناختی میانجی را در دینداری فراهم می‌کنند (پالوتزین، ۱۹۹۶، ص ۲۸ و ۲۹).

همان‌گونه که از این تعریف هم برمی‌آید، روان‌شناسی دین عبارت است از مطالعه علمی دربارهٔ مسائل مربوط به دین و دینداری از دیدگاهی روان‌شناختی. این مسائل، هم رفتارهای دینی و هم باورها و ارزش‌های دینی را دربر می‌گیرد. بنابراین، با هر رویکردی که به روان‌شناسی داریم و هر گونه تعریفی که از آن به دست می‌دهیم، اگر موضوعات دینی را بررسی روان‌شناختی کنیم، در حیطه روان‌شناسی دین قرار داریم. به سخن دیگر، در تعریف روان‌شناسی دین، تعریف خود روان‌شناسی را — که رشته مادر است — مفروض می‌گیریم. اگر این علم، با هر تلقی‌ای که از آن

1. Collins, G. R.

2. Thouless, R. H.

3. Crighead, W.E.

4. Nemeroff, C. B.

5. Paloutzain, R. E.

داریم، درباره موضوعات گوناگون دینی به بحث و بررسی پردازد، محصول آن روان‌شناسی دین خواهد بود.

روان‌شناسان دین چه می‌کنند؟

برای روشن‌تر شدن تعریف، بهتر است بدانیم روان‌شناسی دین عملاً چه کاری انجام می‌دهد و روان‌شناسان دین چه می‌کنند. افزون بر نظریه‌پردازی‌های کلان، برای نمونه، می‌توان از تحلیل روان‌شناختی مفاهیم و آموزه‌های دینی نام برد. اول باید ببینیم مقصود از «تحلیل روان‌شناختی» چیست. مقصود از این عنوان، توصیف علمی (شامل تعریف، جدول نشانگان و مقیاس سنجش)، پیدایش، رشد، تبیین، آسیب‌شناسی و پیامدهای موضوعات دینی است. برای مثال، تقوا، مفهومی است که در دین آمده است؛ روان‌شناسی دین می‌تواند به ما کمک کند تا توصیف علمی دقیقی از این مفهوم به دست آوریم، نحوه پیدایش و مسیر رشد آن را پیگیری کنیم، علت رخ دادن این حالت را تبیین نماییم، آسیب‌ها و موانع رشد آن را برشماریم و درنهایت، پیامدها و نتایج آن را بیان کنیم. تحلیل روان‌شناختی با این ویژگی‌ها را می‌توان در پنج حوزه پی گرفت:

۱. مفاهیم انسان‌شناختی. برای مثال، در قرآن، مفاهیمی همانند هَلُوع (معارج، ۱۹)، جَزُوع (معارج، ۲۰)، مَنُوع (معارج، ۲۱)، ظُلُوم (احزاب، ۷۲)، جَهُول (احزاب، ۷۲) و امثال آنها، برای توصیف حالت‌ها و ویژگی‌های انسان آمده است که قابل تحلیل روان‌شناختی‌اند؛ چه از نظر توصیف مفاهیم آنها، چه به لحاظ سیر تکوین و رشدشان و چه از جهت پیامدها و نتایجی که دارند و ...

۲. مفاهیم اعتقادی. برای مثال، ایمان که جزء محوری‌ترین مفاهیم اعتقادی دین است، باید زیر ذره‌بین روان‌شناسی دین قرار بگیرد تا ماهیت آن و فرقی با مفاهیم نزدیکی نظیر امید، اعتماد و عشق بیشتر روشن شود. تبیین این مفهوم و آسیب‌ها و موانع پیش روی آن، می‌تواند به ما یاری رساند برای افزایش ایمان و معنویت در جامعه، بهتر برنامه‌ریزی کنیم.

۳. مفاهیم ارزشی و اخلاقی. اگر دین را سه بخش بدانیم (عقاید، احکام و اخلاق) بخش مهمی از آن، اخلاقیات است؛ مفاهیمی نظیر توبه، تواضع، حسد و مانند آن. می‌توان با تجزیه و تحلیل و سنجش برخی از این مفاهیم مانند حسد که از دیدگاه دین، بیماری شمرده می‌شوند، جدول‌هایی برای علائم، سیر تکوین و رشد، و ابعاد گوناگون انگیزشی، بدنی و شناختی آنها ترسیم کرد و در اختیار مشاوران و روان‌شناسان بالینی قرار داد تا شناخت این نوع بیماری‌ها برای آنان راحت‌تر شود.

۴. **مناسک و شعائر دینی.** روان‌شناسی دین می‌تواند مفاهیمی نظیر نماز، روزه، حج، زیارت و امثال آنها، و نیز سیر تکوین و عوامل پیدایش حالت‌های خاصی را که هنگام انجام دادن این اعمال در فرد رخ می‌دهند، ترسیم کرده، به درک بهتر آنها کمک کند. مراسم سوگواری امام حسین (ع) نیز نمونه مناسبی برای چنین تحلیل‌های روان‌شناختی است.

۵. **گزاره‌های دینی.** برای تحلیل روان‌شناختی آموزه‌های دینی، می‌توان سراغ گزاره‌های دینی نیز رفت. برای مثال، اینکه: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ ذکر خدا موجب آرامش روانی است» (رعد، ۲۸) یا «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز انسان را از گناه و انحراف باز می‌دارد» (عنکبوت، ۴۵) و ده‌ها نمونه دیگر از این دست، موارد مناسبی برای این نوع تحلیل هستند.

دو نکته

با توجه به توضیحی که درباره روان‌شناسی دین بیان شد، ذکر دو نکته لازم است:

۱. به نظر می‌رسد در تعریف دین^۱ دو رویکرد کلی وجود داشته باشد:

الف) گاه دین به عنوان پدیده‌ای مستقل از انسان در نظر گرفته می‌شود که برخی گزاره‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی را دربر می‌گیرد. این معنا، با موارد کاربرد کلمه «دین» در فارسی (مثلاً، دین اسلام، دین مسیحیت و...) بیشتر سازگاری دارد (دهخدا، ۱۳۷۳؛ معین، ۱۳۷۱). در قرآن کریم نیز، هرچند کلمه دین در اصل به معنای جزا و پاداش مانند: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد، ۴) و اطاعت، مانند: «أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر، ۱۱) است، ولی در مورد شریعت و آیین و کیش نیز بسیار به کار رفته است مانند: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا...» (شوری، ۱۳) و «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون، ۶).

ب) گاه نیز دین به معنای پایبندی به شریعت و آیین و به سخن دیگر، تدین و دینداری است. این کاربرد میان دانشمندان غربی شیوع بیشتری دارد.

واژه «دین» در فارسی و "religion" در انگلیسی، معادل هم گرفته می‌شوند، ولی به نظر می‌رسد غالباً دین در معنای اول و "religion" در معنای دوم (دست‌کم در متون مربوط به روان‌شناسی دین) به کار می‌رود. برای مثال برخی روان‌شناسان، دین (یا درواقع "religion") را چنین تعریف کرده‌اند: «منظومه‌ای از اعتقاد به قدرت خدایی یا فوق‌بشری و عبادت یا آیین‌های دیگری که به سوی چنین قدرتی جهت‌گیری شده‌اند» (بیت‌هالامی و آرگیل، ۱۹۹۷، ص ۶۰). بدیهی است این

1. religion

2. Beit Hallhami, B. & Argyle, M.

تعریف، درواقع تعریف دینداری و اعتقاد به دین است. علت این امر هم روشن است؛ آنچه برای روان‌شناسی اهمیت دارد، اعتقاد به دین و موضوعات مربوط به آن است، نه دین به عنوان پدیده‌ای مستقل از وجود انسان. بنابراین، باید توجه داشت وقتی از عنوان «روان‌شناسی دین» استفاده می‌شود، بیشتر تحقق دین در روان بشر و به سخن دیگر، تدین و دینداری منظور است.

۲. روان‌شناسی دین را نباید با روان‌شناسی دینی^۱ اشتباه گرفت. آنچه در این نوشته و دیگر کتاب‌های مربوط بررسی می‌شود، روان‌شناسی دین است، نه روان‌شناسی دینی. در روان‌شناسی دین — که رشته‌ای فرعی از روان‌شناسی و موردقبول همه است — روان‌شناسی به منزله مبنایی برای ارائه تفسیر از پدیدارهای دینی در نظر گرفته می‌شود و با توجه به تمامیت دین، به یک معنا تقلیل‌گرایانه است؛^۲ بدین معنا که یک پدیده دینی، مثلاً مراسم عزاداری، ممکن است هم تبیین روان‌شناختی داشته باشد و هم تبیین جامعه‌شناختی و هم تبیین‌هایی از انواع دیگر. البته در این گستره، این پدیده را فقط از دید روان‌شناختی تبیین می‌کنیم و شاید پنداشته شود که فقط همین تبیین برایش متصور است. در مقابل، در روان‌شناسی دینی — که شاخه‌ای از علم دینی است — باورهای مذهبی به منزله اصل و منبع قرار می‌گیرند و روان‌شناسی در چارچوب آن سنت ایمانی جستجو می‌شود.

○ پرسش و تحقیق

۱. روان‌شناسی دین را تعریف کنید و تعریف‌های مختلف را مقایسه کنید.
۲. مثال‌هایی از تحلیل روان‌شناختی پدیده‌های دینی بزنید و بحث کنید.
۳. با ذکر نمونه‌هایی از فعالیت‌ها در روان‌شناسی دین و روان‌شناسی دینی، آنها را با یکدیگر مقایسه کنید.

○ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. روان‌شناسی دین، دیوید ولف، ترجمه محمد دهقانی.
۲. روان‌شناسی دین، اسپیلکا و همکاران، ترجمه محمد دهقانی.
۳. روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز، مسعود آذربایجانی.

1. religious psychology

۲. معنای دیگری برای تقلیل‌گرایی (فروکاهش) متصور است: منحصرکردن واقعیت امری مثل دین، به نمود روان‌شناختی آن، و نفی واقعیت عینی و بیرونی آن. به این معنا، فروید تقلیل‌گراست، ولی یونگ نیست (رک: فصل دوم).

درس دوم: تاریخچه روان‌شناسی دین

اهداف درس: انتظار از دانشجو آن است که:

۱. تاریخچه روان‌شناسی دین را بیان کند؛
۲. تفاوت‌های سنت‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسوی را بیان کند؛
۳. عوامل افول روان‌شناسی دین را توضیح دهد؛
۴. روش‌های تحقیق در روان‌شناسی دین را تبیین کند.

پیدایش رسمی روان‌شناسی دین به اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد، ولی تأملات روان‌شناختی دربارهٔ دینداری انسان، سابقه‌ای طولانی دارند. این تأملات، گاه جنبه توصیفی دارند، همانند کتاب‌های مقدس ادیان بزرگ و نیز کتاب‌های شبه‌دینی‌ای که برای تربیت معنوی تدوین شده‌اند؛ نظیر کتاب اعترافات^۱ آگوستین قدیس^۲ و نیز مثنوی مولوی و برخی کتاب‌های غزالی نظیر، احیاء علوم الدین،^۳ و نوشته‌های برخی فیلسوفان و متألهان، نظیر جانان‌ان ادواردز^۴ (۱۷۰۳-۱۷۵۸)، فردریش شلایرماخر^۵ (۱۷۶۸-۱۸۳۴) و سورن کرکگور^۶ (۱۸۱۳-۱۸۵۵) و زمانی به تبیین پیدایش دین می‌پردازند.

ردپای جنبه دوم را دست‌کم در سه قرن قبل از میلاد می‌توان یافت. در این دوران، فیلسوفی یونانی به نام اثوهمروس^۷ (۳۳۰-۲۶۰ ق.م) معتقد بود خدایان، همان حاکمان یا ولی‌نمندان نوع بشرند که مردم به تدریج لباس الوهیت بر تن آنان پوشانده‌اند (ولف،^۸ ۱۹۹۱، ص ۵). او ادعا می‌کرد همه خدایان، در اصل زنان و مردان برجسته روزگار خویش بوده‌اند که به هنگام حیات، تکریم و پس از مرگ، پرستش شده‌اند. (شارپ،^۹ ۱۹۸۶، ج ۹، ص ۱۷۳). دو قرن پس از آن، لوکرتیوس،^{۱۰} شاعر رومی و مفسر برجسته اپیکوری، اندیشه نشأت‌یافته دین را در خوف و خشیت به جامه شعر جاودانه لاتین درآورد. او معتقد بود خدایان از دل تصاویر رؤیایی و ترس از قدرت تخریبگر طبیعت سر برآورده‌اند. (ولف، ۱۹۹۱، ص ۵).

1. *Confessions*

2. Saint Augustin

۳. تاریخچه روان‌شناسی دین در سنت اسلامی، در حال حاضر تدوین نشده است و مجال مستقلی می‌طلبد.

4. Edwards, J.

5. Schleiermacher, F.

6. Kierkegaard, S.

7. Euhemerus

8. Wulff, D.M.

9. Sharpe, E. J.

10. Lucretius.

نظریه تبیینی دیگری که فویرباخ^۱ (۱۸۰۴-۱۸۷۲) در قرن نوزدهم مطرح کرد، آن بود که خدایان، فرافکنی طبیعت آرمانی انسان‌اند که به عنوان ابزار ناهشیار در خودشناسی و دستیابی به ماوراء خود عمل می‌کنند (ولف، ۱۹۹۱، ص ۶).

این دو روند بنیادی در روان‌شناسی دین (گرایش توصیفی که رویکرد درون‌دینی دارد و گرایش تبیینی که از بیرون به دین نگاه می‌کند) همواره از ویژگی‌های روان‌شناسی دین بوده‌اند. هرچند برای یک مؤلف و نظریه‌پرداز محال نیست هر دو گرایش را در آثار خود به کار بگیرد، ولی معمولاً تأکید اصلی بر یکی از این دو گرایش است. این امر در کل فرهنگ نیز صادق است؛ برای مثال، در روسیه، روان‌شناسان دین در گذشته نزدیک، عمدتاً درگیر تبیین این امر بوده‌اند که چرا هم‌میهنانشان پایبند عقاید دینی خود هستند و سرسختانه از آنها دفاع می‌کنند؟ این در حالی است که مثلاً در هند، علاقه‌مندی روان‌شناسان دین، بیشتر به سمت وسوی توصیف پیچیدگی‌های عواطف دینی یا فنون مربوط به انضباط روانی است. این دو گرایش در هر سه سنت عمده در روان‌شناسی دین قابل مشاهده است. این سه سنت عبارت‌اند از: سنت انگلیسی-آمریکایی، سنت آلمانی، و سنت فرانسوی. ما برای پیگیری و ریشه‌یابی تاریخچه روان‌شناسی دین و نظم بخشیدن به مباحث، از هر سه سنت سخن خواهیم گفت و به آرا و عقاید برخی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در هر سنت اشاره می‌کنیم.

سنت انگلیسی-آمریکایی

گرچه عناصر لازم برای پیدایش روان‌شناسی نظام‌مند دین در قرن هجدهم فراهم بود، ولی آثاری که به صراحت در پی به‌کارگیری اصول روان‌شناختی در حوزه دین و دینداری برآمد، تا یک قرن بعد به ظهور نرسید. این آثار، نشان از تلاقی عوامل شخصی، اجتماعی و فکری‌ای بود که در نهایت به پیدایش رشته‌ای انجامید که امروزه به روان‌شناسی دین معروف است. عمده‌ترین عامل در پیدایش این رشته، موفقیت‌های بزرگی بود که علوم طبیعی در قرن هجدهم به دست آورد و در نتیجه، شور و شوق زیادی برای استفاده از این علوم در زندگی روانی انسان به وجود آمد (ولف، ۱۹۹۱، ص ۷). مهم‌ترین افراد شاخص این سنت عبارت‌اند از: گالتون، هال، استارباک، لوبا، کو، ویلیام جیمز و جیمز پرت.

1. Feuerbach, L.

گالتون^۱ (۱۸۲۲-۱۹۱۱). نخستین مطالعات علمی در این زمینه را فرانسویس گالتون انجام داده است. این دانشمند انگلیسی به‌رغم علایقی که او را از روان‌شناسی دور کرد، بنیانگذار روان‌شناسی تفاوت‌های فردی است. او نخستین کسی بود که از روش آماری همبستگی در این زمینه استفاده کرد. بی‌شک مهم‌ترین پژوهش وی، تحقیق در مورد کارایی عینی دعا و نیایش است. گالتون (۱۸۷۲) با توجه به نتایج این پژوهش، معتقد است داشتن زندگی همراه با دعا و نیایش و نیز هدف دعای دیگران قرار گرفتن، با برخورداری از منافع عینی قابل مشاهده، همبستگی ندارد. به همین ترتیب، مقایسه نظام‌مند روحانیان برجسته پروتستان با دیگر افراد سرشناس، شواهدی به دست نمی‌دهد که زندگی همراه با تقوا و دینداری، فرد را از مزایای عینی، نظیر سلامت و طول عمر بهره‌مند می‌کند. از سوی دیگر، گالتون تردیدی نداشت که دعا و نیایش، دارای آثار مثبت باطنی (غیرعینی) است.

استنلی هال^۲ (۱۸۴۴-۱۹۲۴). او که در واقع بنیانگذار روان‌شناسی دین در آمریکاست، در آغاز رشته الهیات را برگزید و سپس روان‌شناسی را جایگزین آن کرد. او زمانی پیشنهاد کرده بود که برای منطبق کردن دین با نیازها و مقتضیات شخصی و اجتماعی دنیای مدرن، از روان‌شناسی به عنوان وسیله‌ای برای بازسازی دین بهره گرفته شود. هال، بنیانگذار تنها دانشکده روان‌شناسی دین در دانشگاه کلارک آمریکاست که خود ریاستش را بر عهده داشت. در میان شاگردان وی در دانشکده کلارک، دو نفر برجسته‌اند: ادوین استارباک^۳ و جیمز لوبا^۴. این دو نفر، ایمان‌آوری^۵ را به عنوان نخستین موضوع تحقیق خود برگزیده بودند.

پس از هال، این دو محقق به همراه **جورج کو**^۶ بر سیر تکاملی روان‌شناسی دین در آمریکا تأثیرات بزرگی بر جای نهادند. آنان بر مطالعه تجربه‌هایی همچون ایمان‌آوری، دعا و حالت‌های عرفانی با کاربرد روش‌هایی مانند توزیع پرسشنامه، مصاحبه شخصی، زندگینامه خودنوشت و دیگر روش‌های تجربی که قابل تجزیه و تحلیل، رده‌بندی و سنجش آماری‌اند، تأکید داشتند

1. Galton, F.

2. Hall, G.S.

3. Starbuck, E.D.

4. Leuba, J.H.

۵. "Conversion" معادل فارسی این واژه، کلمات نوکشی، تغییر دین و ایمان‌آوری است. در مصاحبه شفاهی که با آقای دکتر لگنهاوزن داشتیم، وی گفت: مصادیق این واژه در فرهنگ غرب بر موارد تقویت ایمان، تحول دینی، توبه کردن (تجدید ایمان) و مانند آنها اطلاق می‌شود. به نظر می‌رسد در زبان فارسی «ایمان‌آوری» مفهوم به نسبت جامع‌تری است که شامل این موارد می‌شود. به همین دلیل در این متن، از این معادل استفاده می‌شود.

6. Coe, G. A.

(الیاده، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۳). از میان آثار هال و شاگردانش، کتاب استاریاک (۱۸۹۹) شایستگی بیشتری دارد که نماینده مکتب کلارک^۱ و خط مشی‌های آن باشد. همچنین به دلیل آنکه در سال ۱۹۰۹م، کتاب وی به آلمانی ترجمه شده، در خارج از آمریکا شناخته شده‌تر است.

ادوین استاریاک. او نخستین کسی بود که کتابی در این زمینه با نام روان‌شناسی دین^۲ (۱۸۹۹) منتشر کرد و در آن، نتایج تحقیق پنج‌ساله‌اش را در مورد همزمانی بین بلوغ، اسکیزوفرنی و رویکرد به دی، انتشار داد. وی برای فراهم آوردن کتابش، پاسخ‌های ۱۹۲ آزمودنی به پرسش‌های زندگینامه خودنوشت را با زحمت زیاد تحلیل کرد. بیشتر این افراد، آمریکاییان پروتستان بودند. همچنین وی، هزار و ۲۶۵ پاسخ به پرسشنامه‌ای کوتاه‌تر دریافت کرد که این پاسخ‌ها، هم‌زمانی ایمان‌آوری با آغاز بلوغ را نشان می‌دادند. گرچه بروز واقعی زندگی معنوی غالباً به‌طور متعارف در خلال سال‌های رشد فیزیولوژیک و به‌ویژه، بلوغ جنسی رخ می‌دهد، اما استاریاک تأکید دارد که این دوران، صرفاً فرصت و موقع بیداری مذهبی است، نه علت آن. او می‌گوید: دینداری از منابع متعددی تغذیه می‌کند، ولی با گذشت زمان، چنان با سرچشمه‌های خود متمایز و حتی مخالف می‌شود که دیگر، ارتباطشان روشن نیست. استاریاک معتقد است پیگیری این ریشه‌ها ارزشمند است، ولی نه به این دلیل که کلیدی برای فهم ماهیت یا ارزش دین به دست می‌دهد، بلکه به این علت که برای مربیان دینی امکان می‌دهد راه‌گذار از مراحل رشد به سوی بلوغ و رشد مذهبی را آسان کنند. استاریاک عمیقاً معتقد بود با فهم و ارتقای شخصیت و منش کودک، می‌توان به تأمین صلح جهانی و نجات بشریت کمک کرد.

استاریاک برای تحقیق در مورد پیدایش مفهوم خدا میان اقوام بدوی با توجه به تحول و تکامل شخصیت، از روش گردآوری مواد و مطالب زندگینامه‌ای، درون‌نگری، تأمل شخصی و پرسشنامه استفاده کرد و آنها را طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل نمود. استاریاک همواره این احساس را داشت که دین، یک راز است و علم هرگز همه ابعاد آن را نخواهد شناخت.

تحقیقات استاریاک از چند جنبه نماینده مکتب کلارک است؛ تمرکز بر رشد دینی و ایمان‌آوری، نه تنها منعکس‌کننده مهم‌ترین علایق هال، که نمایانگر مهم‌ترین علایق شاگردان وی نیز هست. افزون بر این، تعهد استاریاک به جمع‌آوری بیشترین حقایق ممکن و سپس

۱. مقصود از مکتب کلارک، روان‌شناسانی چون استاریاک، هال ولوبا هستند که عمدتاً بر مطالعه تجربی دین متمرکز بوده‌اند.

کمی کردن آنها به عنوان ابزاری برای مشخص کردن روندهای کلی، به ویژگی متمایز مکتب کلارک و به‌طور کلی، روان‌شناسی دین آمریکا تبدیل شده است. بالأخره، علاقه‌وی به تعلیم و تربیت دینی، انعکاس‌دهنده‌ی علایق استاد او، یعنی هال است. این علاقه به‌روشنی در عنوان مجله‌ای که هال تأسیس کرده بود، نیز جلوه‌گراست.

جیمز لوبا (۱۸۶۸-۱۹۴۶). وی برخلاف هال که به پژوهش عینی‌تر گرایش داشت، از مصاحبه‌های شخصی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌کرد. لوبا از آغاز بر آن بود که آگاهی دینی و نیز تجربه و احوال عرفانی، تفاوت کیفی با آگاهی عادی انسان ندارد. وی برخلاف همکاران دیندار خود، معتقد بود تجربه دینی، مجموعاً فاقد موضوعی متعالی و کاملاً نتیجه نیروهای طبیعی است. چالش لوبا با سنت دینی دو جنبه دارد؛ از یک‌سو، او درصدد بود نشان دهد تجربه عرفانی را می‌توان به صورتی رضایت‌بخش با فرایندهای روانی - فیزیولوژیک تبیین کرد و از سوی دیگر، شواهدی گردآورد، مبنی بر اینکه دانشمندان آگاه از چنین فرایندهایی که در رشته تخصصی خود نیز برجسته هستند، به خدای متشخص (انسان‌وار)^۱ یا جاودانگی اعتقاد ندارند.

با این حال، لوبا مادی‌گرای تمام‌عیاری نبود که هیچ‌گونه حساسیتی به ارزش‌های معنوی نداشته باشد. درواقع، او معتقد به میل ذاتی و فطری به نیکی اخلاقی سطح بالاتر بود که به نظرش، اساسی‌ترین ویژگی انسان است. افزون بر این، هرچند او اعتقاد داشت آموزه‌ها و نهادهای دینی سنتی خطاهایی اساسی مرتکب شده‌اند، ولی معتقد بود آشکال تعدیل‌شده اعتراف، دعا، هنر مقدس و مراسم، می‌توانند به انسان‌ها در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های خویش کمک کنند. او اضافه می‌کند فقط معرفت علمی، و نه تفسیر خام و ساده‌لوحانه از تجربه عرفانی، می‌تواند به صورت کارآمد به جستجوی ارزش‌های اخلاقی و الهامات دگرگون‌کننده جهت دهد.

لوبا منشأ، رشد و نقش مفاهیم کلیدی دینی را در روح انسان مطالعه کرد و ردپای «باور» را تا دو منشأ عمده پی گرفت؛ نخست، شیفتگی ذهن انسان به تبیین‌های علی و دوم، نیاز به حفظ تعادل روحی در بحبوحه تنازعات حیات. او معتقد بود سرانجام، علم، تفوق خود را در هر دو زمینه بر دین اثبات خواهد کرد.

جرج کو.^۲ شهرت وی به دلیل کاربرد گونه‌شناسی منش اخلاقی در تجزیه و تحلیل رویکرد به دین و ایمان‌آوری است. هرچند نمونه‌گیری مبنای یافته‌های تحقیقات وی به نسبت کم و

1. personal

2. Coe, G.

کوچک بود، ولی نتایج پرسشنامه‌هایش، الهام‌بخش بسیاری از آزمون‌های شخصیت است؛ آزمون‌هایی که امروزه روان‌شناسان از آنها بهره می‌برند (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۵۹).

ویلیام جیمز^۱ او شناخته‌شده‌ترین روان‌شناس در گرایش توصیفی به دین است. جیمز در آغاز کتاب انواع تجربه دینی^۲ (۱۹۰۲)، که قطعاً یکی از بزرگ‌ترین آثار کلاسیک در زمینه روان‌شناسی دین است، برضد «ماتریالیسم پزشکی»^۳ (به این معنا که شناسایی همبسته‌های روانی - فیزیولوژیک پدیده دینی، باعث عدم اعتبار آن می‌شود) اعلام موضع می‌کند و آن را نمی‌پذیرد. وی همچنین اعتقاد داشت ارزیابی نهایی یک عقیده یا تجربه را فقط در سایه تمر بخشی آن در زندگی فرد، می‌توان انجام داد.

گرچه جیمز تا حدودی به مجموعه جواب‌های آزمودنی‌ها به پرسشنامه استارباک اتکا داشت، ولی رویکردش با رویکرد مکتب کلارک بسیار متفاوت است. او به جای نمونه‌گیری گسترده، از موارد نسبتاً نادر به عنوان آزمودنی‌های اولیه خود بهره می‌گرفت و به جای جدول‌بندی و استنتاج آماری پرزحمت، از توانایی تشخیص و بصیرت استثنائی خود استفاده می‌کرد. با این حال، جیمز صرفاً یک ناظر بی‌طرف نبود که به نفع توصیف جانبدارانه، تبیین تحویل‌گرایانه را به کناری نهد. کتاب انواع تجربه دینی، از آغاز تا پایان، با علاقه پایدار وی به توجیه فلسفی ایمان دینی شکل گرفته است. کتاب جیمز با ترجمه‌های متعددی که از آن صورت گرفت و به‌رغم انتقادهای گسترده، به‌سرعت به اثری تبدیل شد که در تمام جهان به عنوان مهم‌ترین کتاب در این زمینه شناخته می‌شود. این کتاب نمونه روشن، هرچند ناقص رویکرد توصیفی به پدیده‌های دینی است. در فصل دوم به بررسی تفصیلی دیدگاه جیمز می‌پردازیم.

جیمز پرت^۴ تأثیر برانگیزاننده آثار ویلیام جیمز، به‌ویژه در نوشته‌های جیمز پرت قابل توجه است. پرت در سال ۱۹۰۵م، پایان‌نامه دکترای خود را زیر نظر ویلیام جیمز، درباره روان‌شناسی دین به پایان رساند. عمده‌ترین اثر پرت در این زمینه (کتاب آگاهی دینی، ۱۹۲۰^۵)، مطالعه‌ای صرفاً توصیفی از مجموعه‌ای از جلوه‌های دینی است. این مجموعه شامل بسیاری از موضوعاتی می‌شود که ویلیام جیمز به دلیل برجستگی کمتر و متعارف و عمومی بودن، از آنها صرف نظر کرده بود. افزون بر این، پرت در تاریخ ادیان، به‌ویژه ادیان هند و بودایی، مرجع و صاحب نظر

1. James, W.

2. *The Varieties of Religious Experience*

3. medical materialism

4. Pratt, J.

5. *The Religious Consciousness*

بوده است. او در کتاب خود، بسیاری از دیدگاه‌های نادر را در روان‌شناسی دین آورده است. نام پرت، همانند جیمز، با هیچ روش خاصی همراه نیست، مگر مدارک و اسناد شخصی و استفاده از ذهن پرورده (ولف، ۱۹۹۱، ص ۸-۱۲).

سنت آلمانی

در حالی که در آمریکا، عمدتاً روان‌شناسان، روان‌شناسی دین را پیشرفت دادند، در آلمان، این رشته بیشتر زمینه کار و در قلمرو بحث فیلسوفان و عالمان الهیات بود. برای مثال، در آثار شلایرماخر، دیدگاه روان‌شناختی در مقایسه با موضع الهیاتی، در درجه دوم اهمیت قرار داشت. با شروع قرن بیستم، روان‌شناسی جایگاه خود را در مباحث الهیاتی و در مطالعه دین پیدا کرد. با ظهور آثار دانشمندان آمریکایی، که ابتدا با ترجمه آثار جیمز و استارباک آغاز شد، روان‌شناسی دین در آلمان نیرو و جهت‌گیری جدیدی گرفت و توجه به این رشته توسعه یافت.

ویلهم وونت^۱ (۱۸۳۲-۱۹۲۰). وی پسر کشیش لوتری بود. او آموزش فیزیولوژی دیده بود و بنیانگذار روان‌شناسی تجربی به شمار می‌آید. وونت، گرچه در درون‌نگری کنترل‌شده تجربی پیشگام بود، اما اعتقاد داشت فرایندهای عالی‌تر روانی را که در نمادهای فرهنگی‌ای نظیر زبان، اسطوره و دین عینیت می‌یابند، تنها با استفاده از روان‌شناسی عامه (توده‌ها)^۲ می‌توان درک کرد. وی فنون روان‌شناسی فردی را که مورد استفاده آمریکایی‌هاست، برای هر نوع روان‌شناسی دین واقعی بی‌فایده می‌دانست. او می‌گوید (۱۹۱۱م): از افرادی که تصادفی انتخاب شده‌اند، حداکثر می‌توان اعتراف رسمی به ایمان یا گزارش رسمی از دینداری به دست آورد. همچنین از موارد استثنائی، همانند آنان که ویلیام جیمز انتخاب می‌کرد، چیزی جز موردپژوهی مربوط به آسیب‌شناسی دینی نمی‌توان به دست آورد. به نظر وی، هیچ‌کدام از این دو رویکرد و روش، بافت دینی ایمان فرد را به حساب نمی‌آورند.

وونت، درصدد بود دین را از طریق بازسازی گذشته بعید آن و با مبنا قرار دادن فرایندی تحولی تبیین کند که در حوادث ذهنی ابتدایی و غیر دینی ریشه دارد. او می‌گفت اسطوره ابتدا با فرافکنی احساسات و نیازهای انسان به موجودات جهان طبیعت، خلق شده است. این اشیا در نتیجه این فرایند جاندارانگاری، به‌تدریج به صورت موجوداتی زنده و متشخص ظاهر

1. Wundt, W.

۲. Folk Psychology؛ روان‌شناسی اجتماعی اجتماعات اولیه و بی‌سواد.

شده‌اند. تداعی‌هایی از انواع مختلف (مثلاً تداعی یک شیء با شیء دیگر یا تداعی فرایندهای بدنی با فرایندهای طبیعی و کیهانی) باعث گسترش و انتشار این مخلوقات خیالی شده‌اند. این کلیت پیچیده به وجود آمده، همان اسطوره است که در آغاز، تشخیص دین از آن ممکن نیست. به هر حال با تحول اسطوره، دین به تدریج در حالی که هنوز شکل اسطوره‌ای خود را حفظ کرده است، سربر می‌آورد. وونت، متذکر می‌شود که دین، عبارت از این احساس است که دنیای ما، بخشی از دنیای بزرگ‌تر و فوق طبیعی است که در آن، اهداف والاتر تلاش انسانی به ثمر می‌نشیند و تحقق می‌یابد (ولف، ۱۹۹۱، ص ۱۴).

فروید،^۱ یونگ^۲ و دیگر تحلیل‌گران. از آنجا که بحث فروید و یونگ به تفصیل در فصل دوم خواهد آمد، در اینجا تنها اشاره مختصری به دیدگاه این دو و برخی دیگر از روان‌تحلیل‌گران می‌کنیم و متذکر می‌شویم که گاه برای اشاره به این نوع روان‌شناسی — که به مطالعه پدیده‌های ناخودآگاه می‌پردازد — از اصطلاح «روان‌شناسی عمقی»^۳ استفاده می‌شود.

فروید، هرچند دین را «توهم»، «نورز جهان‌شمول» و «مخدر» می‌نامید و امیدوار بود «نوع بشر بتواند بر آن چیره شود» (کتاب آینده یک پندار، ۱۹۷۳^۴)، ولی به تحقیق درباره رفتار دینی علاقه‌مند بوده و چندین مقاله و سه کتاب عمده درباره آن نوشته است. یونگ، آدلر^۵ و دیگر هواداران نخستین نهضت تحلیل‌گری، مطالعات در باب دین را ادامه داده و غالباً ارزش روان‌شناختی باورهای دینی را پذیرفته‌اند (کراید و نمروف، ۲۰۰۱، ص ۱۳۹۲). کمک‌های آدلر به حوزه روان‌شناسی دین، ناچیز و از حیث نظری، ناستوار بود، ولی یونگ برخلاف فروید، به دلیل توجه جدی و همه‌جانبه و پاینده‌اش به روان‌شناسی پدیدارهای دینی ممتاز است. آنچه یونگ را از فروید جدا کرد تعلق خاطر وی به دین، اسطوره و سنت‌های باطنی و نمادین نبود، بلکه نقطه جدایی آن دو، ارزیابی مثبت یونگ از دین به عنوان نمایانگر ابعاد روح به‌نحوی ژرف‌تر و جامع‌تر از سائق جنسی — که فروید محور روح بشر می‌انگاشت —، نقطه جدایی وی از فروید به شمار می‌آید. دین‌پژوهان حوزه‌های مختلف، در آرا و اندیشه‌های یونگ، روان‌شناسی‌ای واقف با بسیاری از تعلق خاطرهای اساسی‌شان یافته‌اند. این در حالی است که منتقدان دین، فروید را پشتوانه بهتری برای اعتراض‌های خود می‌دانند. منتقدانی هم هستند که آثار یونگ را با

1. Freud, S.

2. Jung, C. G.

3. depth psychology

 4. *The Future of an Illusion*

5. Adler, A.

این ادعا که با اهداف و آرمان‌های دین تعارض دارد، نمی‌پسندند و به جای او، به فروید روی می‌آورند (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۶۴).

اریکسون.^۱ وی از برجسته‌ترین شاگردان فروید است که خدماتی به روان‌شناسی دین کرده و نظریه مرحله‌ای‌اش در مسیر زندگی، ارزیابی مثبت‌تری از نقش دین در سلامت روانی به دست می‌دهد. در بین کسانی هم که از آدلر جدا شدند و مکتب مستقل خویش را پایه نهادند، ویکتور فرانکل^۲ به دلیل «معنادرمانی» که رویکرد و رهیافت دینی دارد، برجسته‌تر از همه است. معنادرمانی، بسیاری از اندیشه‌ها و روش‌های مربوط به روان‌پزشکی وجودگرا را گرد آورده است. کسانی که روان‌شناسی را همسو و مدد‌رسان اهداف روحانی دین رسمی می‌انگارند، با شور و شوق بسیاری از نظریه‌های فرانکل استقبال کرده‌اند (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۶۶ و ۲۶۷).

سنت توصیفی آلمان. گرچه روان‌شناسی عمقی به سرعت جایگاه پایداری برای خود در روان‌شناسی دین پیدا کرد، بسیاری از محققان آلمانی متعهد به این رشته، طرفدار رویکرد توصیفی‌اند. بسیاری از دانشمندان آلمانی، روش‌های متعددی را تقریباً به صورت یکسان معتبر دانسته‌اند. در سنت توصیفی، روش‌های گوناگونی از این قبیل به کار گرفته شده‌اند: زندگینامه‌ها، اسناد شخصی مختلف نظیر اعترافات، زندگینامه‌های خودنوشت، دفترچه‌های یادداشت، نامه‌ها، اشعار و نیز مصاحبه‌ها، مقالات و انشاهای موظفی و دیگر وسایلی که می‌توانند نمودهای فردی تجربه‌های دینی را نشان دهند. زندگی دینی خود پژوهشگران نیز منبعی حیاتی در این زمینه تلقی می‌شود، نه فقط بدین دلیل که باعث دسترسی مستقیم به موضوع مطالعه می‌شود، بلکه بدین علت نیز که پایه فهم همدلانه تجربه دیگران به شمار می‌آید. وظیفه اصلی روان‌شناس، پس از جمع‌آوری این مواد و اطلاعات آغاز می‌شود. روان‌شناسان آلمانی به جای ارزیابی و استنتاج آماری که مورد علاقه پژوهشگران آمریکایی است، از توصیف، تحلیل و طبقه‌بندی کیفی استفاده می‌کنند (ولف، ۱۹۹۱، ص ۱۸ و ۱۹).

شاید شناخته‌شده‌ترین مطالعات توصیفی آلمانی در خارج از محافل آلمانی‌زبان، عبارت باشد از کتاب مفهوم امر قدسی^۳ (۱۹۱۷م) رودولف اتو^۴ و کتاب نیایش^۵ (۱۹۱۸م) اثر فردریش هیلر^۶

1. Erikson, E. H.

2. Frankl, V.

۳. این کتاب را آقای دکتر همایون همتی، با همین عنوان به فارسی ترجمه کرده است (*The Idea of the Holy*).

4. Otto, R.

5. Prayer

6. Heiler, F.

اتو بر این عقیده بود که هسته اصلی دین، تجربه عاطفی غیرعقلانی از امر قدسی است (آرگیل، ۲۰۰۰، ص ۴۶). او در مقدمه کوتاهی که بر ترجمه انگلیسی کتابش نوشته است، مقصود خود را از عامل غیرعقلانی در الوهیت یا دین، عنصر فراعقلانی یا همان جنبه شهودی، عرفانی و قلبی دین می‌داند، نه آنکه دین حاوی عنصری خلاف عقل و عقل‌ستیز باشد. در همین مقدمه کوتاه، اتو در مورد دین بر احساس^۱ در برابر مفهوم^۲ تأکید می‌کند و اولی را بیشتر از دومی به حقیقت دین نزدیک می‌داند. او تصریح می‌کند که مرادش از عامل غیرعقلانی در دین و الوهیت، به‌هیچ‌وجه ترویج و طرفداری از نابخردی و خردناگرایی نیست که مد زمانه شده است، بلکه مقصودش مخالفت با مفهومی کردن دین در برابر تجربه ناب روحانی از دین است. پس، اتو ضد فلسفه یا حتی عقل‌گرایی نیست، بلکه سعی در نیامیختن فلسفه با دین دارد (اقتباس از: مقدمه مترجم، ر.ک: اتو، ۱۳۸۰).

در آمریکا که روان‌شناسی صرفاً توصیفی، جذابیت کمتری در برابر سنجش منظم و تبیین علی دارد، روان‌شناسی توصیفی آلمان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آثاری که از راه ترجمه به‌راحتی در دسترس هستند، از قبیل آثار اتو و هیلر، غالباً ذکر می‌شوند، ولی حتی تقلید و اقتباس از آنها صورت نمی‌گیرد. این امر در مورد کتاب انواع تجربه دینی جیمز نیز صادق است. از میان نوشته‌های آلمانی در این زمینه، تنها آثار فروید و یونگ مورد توجه مستمر روان‌شناسان دین آمریکا قرار گرفته است (ولف، ۱۹۹۱، ص ۱۹ و ۲۰).

سنت فرانسوی

عمده مساعدت دانشمندان فرانسوی در زمینه روان‌شناسی دین و به‌طور کلی در روان‌شناسی، آثاری است که در حیطه روان‌شناسی مرضی عرضه کرده‌اند. گرچه علاقه به بحث درباره ارتباط بیماری روانی با دینداری در دو سنت عمده دیگر نیز وجود داشته است، اما در فرانسه برخی از بزرگ‌ترین آسیب‌شناسان روانی قرن نوزدهم، توجه مستمری به این موضوع نشان داده‌اند. پزشکان تعلیم دیده در رشته پزشکی، به عنوان متخصصان بیماری روانی، مجذوب انواع گوناگون «روان‌آشفته‌گی‌های دینی»^۳ بوده‌اند. هر کدام از این روان‌آشفته‌گی‌ها، نشان‌دهنده ویژگی‌های عجیب و غریب اختلال نهفته‌ای هستند. افزون بر این، از شباهت‌های فراوان این علائم با ویژگی‌های سنتی عرفانی و دیگر اشکال تجربه استثنائی دینی غفلت نمی‌شد.

1. feeling

2. concept

3. religious delirium

ژان مارتین شارکو^۱ (۱۸۲۵-۱۸۹۳). یکی از افرادی که در این زمینه مطالعاتی انجام داده، شارکو است. او که به دلیل فعالیت‌هایش در یکی از کلینیک‌های عصب‌شناسی معروف پاریس، به بزرگ‌ترین عصب‌شناس عصر خود تبدیل شده بود، اعتقاد داشت که جن‌زدگی چیزی نیست جز نوع خاصی از هیستری. همچنین او معتقد بود شفای دینی را می‌توان از راه «تلقین به خود» و سرایت ویژگی‌های روانی در گروه، تبیین و درک کرد.

پیر ژانه^۲ (۱۸۵۹-۱۹۴۷). از میان شاگردان و همکاران شارکو (صرف نظر از فروید) بی‌شک ژانه شناخته‌شده‌ترین فردی است که به یاری روان‌شناسی دین آمده است. وی که پیشکسوت روان‌شناسی فرانسه به شمار می‌آید، هرچند نظریه‌ای دربارهٔ دین دارد، ولی موردِ پژوهی‌هایش دربارهٔ حالت‌های استثنائی دینی بسیار شناخته شده‌تر است.

برجسته‌ترین مطالعه ژانه، مربوط به بیماری به نام «مادلین»^۳ است که میان سال‌های ۱۸۹۶-۱۹۰۴م، در کلینیک بستری بود و به مدت چهارده سال پس از آن تقریباً همه‌روزه با وی مکاتبه می‌کرد. مادلین مجموعهٔ علائم فراوانی از خود بروز می‌داد که روشن‌ترین آنها، طرز راه رفتن غیرمتعارف او بود. در نتیجهٔ انقباض‌های عضله پا، وی مجبور بود روی نوک انگشتان پایش راه برود. وی همچنین حالت‌های شبه‌عرفانی را تجربه می‌کرد. دامنهٔ این تجربه‌ها، از اتحاد و جدآور با خدا شروع می‌شد (و در این حال، در وضعیت آویخته شدن به صلیب بی حرکت می‌ماند) و به احساس پوچی یا حتی شکنجه و عذاب ختم می‌گردید و این هنگامی بود که احساس می‌کرد خداوند او را به حال خود رها کرده و او تحت تأثیر نیروهای اهریمنی است. در سال چندبار، زخم‌هایی در وی ظاهر می‌شد که همانند زخم‌هایی بود که به‌طور سنتی به مسیح مصلوب نسبت داده می‌شود. ژانه از طریق پژوهش‌های عمیق بالینی و تجربی دربارهٔ این بیمار (مثلاً هنگامی که تصور می‌کرد در حال پرواز است، او را وزن می‌کرد) و با مقایسه برون‌ریزی‌های وی با آنچه از عارفان بزرگ مسیحیت نقل شده است، به این نتیجه رسید که در پس این حالت‌های متغیر عرفانی، اختلال «ضعف روانی»^۴ قرار دارد. این اختلال امروزه، به نام اختلال وسواس فکری - عملی^۵ معروف است.

تئودور فلورنو^۶ (۱۸۵۴-۱۹۲۰). علاقه به حالت‌های استثنائی روانی — که فرانسه به آن شهرت دارد — در آثار روان‌شناس سوئیسی، تئودور فلورنو نیز متجلی است. او همانند ویلیام

1. Charcot, J. M.

2. Janet, P.

3. Maeleine

4. psychasthenia

5. Obsessive - Compulsive

6. Flournoy, T.

جیمز، پزشکی خوانده بود، ولی هرگز طبابت نکرد. او به جای طبابت، همراه با وونت به تحقیق پرداخت و سرانجام به ریاست مرکز روان‌شناسی تجربی دانشگاه ژنو منصوب شد. همچنین او همانند جیمز، به فراروان‌شناسی علاقه داشت. رویکرد وی به این موضوع، با دقت علمی و بسیار منصفانه بود. مطالعات گسترده‌ی درباره‌ی احضار ارواح، به فهم رو به رشد فعالیت ضمیر ناخودآگاه بسیار کمک کرد. یونگ (۱۹۵۴م) خاطرنشان می‌کند که عمده‌تاً این فلورنو و جیمز بودند که به او در فهم اختلالات روان‌شناختی در بافت زندگی‌های فردی کمک کرده‌اند.

فلورنو همانند جیمز، علاقه‌ای جانبدارانه به دین داشت. او در دانشکده الهیات ژنو به مدت یک سال و نیم تحصیل کرد، ولی به دلیل آنکه به نظرش الهیات انباشته از مسائل غیرضروری بود، از ادامه تحصیل منصرف شد. به جای تحصیل در الهیات، علاقه‌ی وی در مساعدت‌هایی که به روان‌شناسی دین کرد، جلوه نمود. وی به دلیل ارائه دو اصل بنیادین «برون‌داشت امور متعالی»^۱ و «تفسیر زیست‌شناختی»^۲ معروف شده است. این دو اصل، اساس روان‌شناسی دین را فراهم می‌کنند. براساس اصل «برون‌داشت امور متعالی»، روان‌شناسان دین باید در مورد وجود مستقل موضوعات دینی — که امری فلسفی و خارج از حیطه صلاحیت آنان است — نه موضع انکار و طرد اتخاذ کنند و نه موضع تأیید. از سوی دیگر، این در قلمرو صلاحیت آنان است که «احساس» تعالی را به رسمیت بشناسند و ظرایف و انواع آن را با دقت مشاهده و بررسی کنند.

بر پایه اصل «تفسیر زیست‌شناختی»، روان‌شناسی دین، چهار ویژگی دارد:

۱. دریافتن شرایط ارگانیک برای پدیدارهای دینی، «فیزیولوژیک»؛
۲. در بررسی دقیق عوامل درونی و بیرونی در سیر تحولی‌شان، «ژنتیک یا تحولی»؛
۳. در حساسیت به تفاوت‌های فردی، «تطبیقی»؛
۴. در به رسمیت شناختن اینکه زندگی دینی، فرایندی زنده و بسیار پیچیده و مشتمل بر تعامل با بسیاری از عوامل است، «پویا».

هرچند آثار فلورنو برای مطالعات بیشتر درباره‌ی حالت‌های دینی استثنائی انگیزه ایجاد کرد، با این حال، وی در جایگاه صاحب‌نظری قابل احترام در سنت التقاطی^۳ پروتستان نیز شناخته می‌شود. این سنت که در ژنو مرکزیت دارد، شامل آثار محققانی است که در دانشگاه ژنو و یک مرکز تحقیقاتی تعلیم و تربیت — که روان‌شناس رشد برجسته، ژان پیاژه با آن همکاری داشت —

1. exclusion of transcendent

2. biological interpretation

3. eclectic

مشغول به کارند. این محققان تحت تأثیر روان‌شناسی‌های عمقی و همچنین متأثر از تحقیقات جدیدی هستند که دربارهٔ رشد شناختی انجام شده‌اند. البته آنان از نوشته‌های دانشمندان آمریکایی و فرانسوی متقدم نیز استفاده می‌کنند.

ژرژ برژه (۱۸۷۳-۱۹۴۵).^۱ مهم‌ترین شخصیت در این سنت، ژرژ برژه، دوست صمیمی فلورنو است. او مدت‌های مدید، یگانه محقق در جهان بود که در روان‌شناسی دین، مقام استادی داشت. این امر نخست در مدرسه الهیات کلیسای آزاد ژنو و بعدها در دانشکده الهیات صورت گرفت. او پیشتر نیز با عنوان کشیش، در مناطقی از ژنو و همچنین در فرانسه خدمت کرده بود. برژه به عنوان حامی «الهیات علمی»،^۲ در پایان‌نامه دکترای خود، اصل موضوعی را پیشنهاد کرد که مکمل اصل «برون‌داشت امور متعالی» فلورنو بود. براساس اصل «توازی دین و روان‌شناسی»،^۳ پدیدهٔ دینی همواره دارای دو جنبهٔ متناظر است: حالت روان‌شناختی و معنای عینی. برژه معتقد است هیچ‌کدام از این دو، قابل تحویل و فروکاهش به دیگری نیست. به نظر او، روان‌شناسی دین تنها صلاحیت پرداختن به نخستین جنبه را دارد و بنابراین، نمی‌تواند پدیدهٔ دینی را به‌طور کامل تفسیر کند. به تفسیر روان‌شناختی، باید الهیات ایمانی و تکلیف اخلاقی نیز افزوده شود (ولف، ۱۹۹۱، ص ۲۱-۲۸).

گرچه نظریهٔ برژه دربارهٔ ارزش، ظاهراً برای حفظ حیطه‌ای خاص «الهیات فراعلمی» است، ولی نوشته‌های بعدی وی، بیانگر نقش مثبتی است که روان‌شناسی دین می‌تواند ایفا کند. شاید جالب‌ترین اثر برژه، مطالعهٔ وی دربارهٔ حضرت عیسی (ع) باشد. او با ایمان به توازی روان‌شناسی و دین، بر این امر تأکید می‌کند که نمی‌توان صفات منحصر به فرد حضرت عیسی (ع) را از راه تلاش و کوشش علمی تحلیل کرد. این صفات از راه حس اخلاقی قابل درک هستند و به وی، ارزش و موقعیتی می‌دهند که کاملاً از ارزش و موقعیت دیگر انسان‌ها متمایز است.

ژان پیازه^۴ (۱۸۹۶-۱۹۸۰). او مستقیماً به این سنت التقاطی فرانسوی کمک رسانده است. پیازه در خانواده‌ای رشد کرد که در موضوع ایمان مذهبی با هم اختلاف و دودستگی داشتند؛ مادر مهربان، اما روان‌رنجور وی پروتستانی متعهد بود، در حالی که پدرش دینداری را با نقد تاریخی ناسازگار می‌دانست. پیازه هنگام جوانی وقتی تسلیم آرزوهای مادر شد و دوره‌ای را در زمینه آموزه‌های مسیحیت گذراند، به دلیل تعارض مکرر آنها با زیست‌شناسی و نیز ضعف دلایل

1. Berguer, G.

2. scientific theology

3. psychoreligious parallelism

4. Piaget, J.